

## اسلام و انقلاب اسلامی

صبح صادق قدرت کاذب شکست / رشته‌های دام اهریمن گسست

صبح راستین (انقلاب اسلامی) قدرت‌های دروغین (دولت پهلوی) را شکست داد ، و رشته  
های دام شیطان رو از هم پاره کرد

## شیر حق

از علی آموز اخلاص عمل / شیر حق را دان منزله از دغل

در غزا بر پهلوانی دست یافت / زود شمشیری برآورد و شتافت

او خدو انداخت بر روی علی / افتخار هر نبی و هر ولی

در زمان انداخت شمشیر آن علی / کرد او اندر غزایش کاهلی

گشت حیران آن مبارز ، زین عمل / وزن نمودن عفو و رحم بی‌محل

گفت «بر من تیغ تیز افراشتی / از چه افکندی ، مرا بگذاشتی؟»

گفت «من تیغ از پی حق می‌زنم / بنده حقم نه مامور تنم

شیر حقم ، نیستم شیر هوا / فعل من بر دین من باشد گوا

باد خشم و باد شهوت ، باد آز / برد او را که نبود اهل نماز

چون درآمد در میان ، غیر خدا / تیغ را دیدم نهان کردن سزا

معنی :

بیت اول : از حضرت علی (ع) یاد بگیر پکی نیت رو در انجام کار ، امام علی (ع) را از هر دو  
رویی و کلاهبرداری پاک بدان

بیت دوم : در جنگی بر یک پهلوانی از دشمن دست پیدا کرد ، زود شمشیر خود را در آورد و به  
طرف او رفت

بیت سوم : او آب دهانش را بر روی صورت امام علی (ع) انداخت ، کسی که افتخار هر پیامبر  
و هر امامی است

بیت چهارم : امام علی (ع) فوراً شمشیر خود را انداخت ، و در جنگ با دشمن سستی کرد

بیت پنجم : آن مبارز دشمن از این کار متعجب شد ، از آن بخشش و عفو بی موقع

بیت ششم : مبارز گفت : تو بر روی من شمشیر تیزت رو کشیدی ، چرا اون رو انداختی و من  
رو نکشتی

بیت هفتم : امام علی (ع) گفت : من برای خدا شمشیر می کشم ، مطیع دستورات خدا هستم  
نه مامور هواهای نفسانی خودم

بیت هشتم : من در شجاعت همانند شیر هستم اما برای خدا نه برای هواهای نفسانی (در  
برابر انجام گناه شجاع نیستم) ، کاری که من الآن انجام می دهم دین من (خدای من) این رو  
میگه

بیت نهم : باد خشم و هوای نفس و حرص و طمع ، کسی را که اهل آنها باشد با خود می برند  
بیت دهم : چونکه دیدم کار غیر خدایی پیش اومد ، من پنهان کردن شمشیر را شایسته دیدم

## یاد حسین

شد چنان از تف دل ، کام سخنور ، تشنه / که ردیف سخنش آمده یک سر ، تشنه

خشک گردید هم از دود دل و دیده ، دوات / خامه با سوز ، رقم کرد به دفتر تشنه

آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا / بود آن خسروی لشکر و یاور تشنه

با لب خشک و دل سوخته و دیده تر / غرقه بحر بلا بود در آن بر تشنه

همچو ماهی که فتد ز آب برون آل نبی / می تپیدی دلشان ، سوخته در بر تشنه

آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک / نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه

تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه / آنکه سیراب کند در لب کوثر تشنه ؟

برد عباس جوان ، ره چو سوی آب فرات / ماند بر یاد حسین تا صف محشر تشنه

گشت از کلک «فدایی» چو دلش دوده بلند / بر ورق کرد رقم ، بس که مکرر تشنه

معنی :

بیت اول : سوز دل شاعر آنقدر زیاد بود که دهانش تشنه شد ، و به همین دلیل ردیف شعر خودش رو تشنه قرار داد (اگر به شعر توجه کنید متوجه می شوید که قافیه مسراهای زوج تشنه است)

بیت دوم : از آه و ناله دل و اشک چشم خشک شد جوهر قلم ، قلم با آه در دفتر کلمه تشنه رو نوشت (صدایی که بعد از خشک شدن دوات قلم آن را روی کاغذ میکشیم تشبیه شده به آه)

بیت سوم : ای وای از آن روز که در دشت بلا و سختی ، آن پادشاه بی لشکر و یاور تشنه بود (امام حسین)

بیت چهارم : با لب خشک و دل سوخته و چشمان خیس ، در آن دریای بلا و سختی غرق شده بود در حالی که تشنه بود

بیت پنجم : مانند ماهیانی که از آب بیرون می افتند ، خاندان پیامبر اکرم (ص) ، دلشان در سینه می تپید به سختی در حالی که تشنه بودند

بیت ششم : خانواده پیامبر (ص) همه از بزرگ و کوچک بسیار تشنه بودند ، و فرزندان امام علی (ع) همه از اکبر و اصغر تشنه بودند (اکبر و اصغر هم نشانه به کوچک و بزرگ و هم اشاره به حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر)

بیت هفتم : به خاطر چه در کنار رود (فرات) تشنه لب کشته شد ؟ ، آن کسی سیراب میکند همه تشنه ها را با آب کوثر ؟

بیت هشتم : زمانی که حضرت عباس رفت به سوی رود فرات ، به فکر امام حسین (ع) بودند و تا زمان مرگ تشنه ماندند

بیت نهم : همانطور که از دل فدایی مازندرانی (شاعر) از قلمش هم آه و ناله بلند شد ، آنقدر که کلمه تشنه رو تکرار کرد و بر روی کاغذ نوشت